



### حالات، زودگذر و ملکات راسخ است/ انسان کامل؛ مظهر اسم حق

دوم تیرماه غلامحسین ابراهیمی دینانی، عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران و چهره ماندگار فلسفه در برنامه معرفت که از شبکه چهار سیما به روی آنتن رفته بود در تفسیر مسئله ناطقه در کلمات مکتونه فیض کاشانی...

دوم تیرماه غلامحسین ابراهیمی دینانی، عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران و چهره ماندگار فلسفه در برنامه معرفت که از شبکه چهار سیما به روی آنتن رفته بود در تفسیر مسئله ناطقه در کلمات مکتونه فیض کاشانی گفت: چگونه می شود که انسان عمل و رفتار می کند؟ درست است که اثر کردار، گفتار و رفتار در نفس حاصل می شود ولی خود رفتار، کردار و گفتار از کجا می آید؟ اثر گفتار، کردار و پندار در جایی ظاهر می شود که گفتار، کردار و پندار از آنجا آمده است.

وی افزود: انسان هنگام دیدن منظره های زیبا معانی هم در ذهنش ادراک می شود. آن معانی کجا هستند و در کجا منعکس می شوند؟ هر منظره ای معنا دارد، حالا این زیبایی از معنی می آید یا معنی از زیبایی حاصل می شود؟ مناظر عالم معانی دارد و معانی منظره دارند، شما با چشم مناظر را می بینید و با عقل معانی را ادراک می کنید. هر معنایی در یک منظره ظهور پیدا می کند و هر منظره ای یک معنی به شما القا می کند، پس معنی به منظره می آید و منظره به معانی می کشاند. معنی از منظره جدا نیست.

دینانی تصریح کرد: هر عملی که ما انجام می دهیم از روی آگاهی می آید. عملی را نمی شود انجام داد که از روی آگاهی نباشد، ولی شما نمی دانید که منشأ آگاهی کجاست. همین اعمال که از آگاهی آمده است دوباره به آگاهی برمی گردد و اثر در نفس شما دارد. محال است که شما یک عملی انجام دهید و آن عمل در نفس شما تاثیری نداشته باشد. مثلاً انسانی که عصبانی می شود، عصبانیتش روی بدن او اثر می گذارد، حالا اگر شادی و خنده باشد بر روی صحت مجازی انسان خیلی تاثیر دارد. پس هر عملی که در بدن انسان از روی اختیار انجام شود در نفس ناطقه آدمی اثر می گذارد. حالا نفس ناطقه آدمی چیست؟ نفس بدون ادراک ممکن نیست، نفس همان ادراک است، اتحاد عاقل و معقول ابوعلی سینا و ملاصدرا، اتحاد مُدرک و مَدْرک، بنده می خواهم عرض کنم اتحاد حاس و محسوس یعنی اتحاد آنچه که حس می کنی و آنچه که محسوس است. دیدن در بیرون، بودن در درون است، شنیدن از بیرون، شنیدن در درون است. پس هر آنچه شما در بیرون می بینید یا می شنوید نمونه ای از آن در درون شماست. کل این جهان که در بیرون شماست و در مقابل شما قرار دارد، اگر در درون شما نبود، شما جهان بیرون را نمی دیدید.

این استاد دانشگاه در ادامه سخنان خود گفت: همه ما می گوئیم در عالم هستیم، حالا ما در عالم هستیم یا عالم در ما؟ هر دوی اینها درست است. ما در عالمیم اما درون عالمی که آن عالم در ماست. آن عالمی که در درون شما نباشد، شما هم در آن عالم نیستید. مثلاً نور ستاره ای که ما در آسمان شب می بینیم، چه بسا اکنون وجود نداشته باشد. گاهی چند هزار سال طول می کشد تا نور ستاره به چشم ما برسد و اکنون به چشم ما می رسد. ولی خود ستاره دیگر وجود ندارد و بالعکس ممکن است ستاره هایی نور افشاندند که هنوز هم به چشم ما نرسیده باشند و در هزاران سال آینده به چشم آیندگان برسد.

وی ادامه داد: آنچه شما نتوانی ادراک کنی در درون شما نیست. آنچه شما درک نکنی، نمی دانی در عالم هست یا نه. ممکن است در عالم چیزهایی باشد که ما درکش نکنیم ما چیزی را در عالم درک می کنیم که در ماست. آنچه که ما درک می کنیم می دانیم که در عالم هست و می تواند باشد. چه بسا چیزهایی را درک کنیم که اکنون نیست ولی می تواند در آینده باشد.

چهره ماندگار فلسفه افزود: همه مردم مومن و غیرمومن از متافیزیک صحبت می کنند، حالا بعضی ها به متافیزیک باور دارند و بعضی ها هم باور ندارند. متافیزیک کجاست؟ متافیزیک یعنی عالمی که همه عالم ماده را دربر می گیرد. یعنی عالمی که محیط بر عالم است. اما فیزیک چیزی است که اندازه می گیریم، اشیا قابل اندازه گیری هستند، اما عالم معنا را نمی توانیم اندازه بگیریم.

دینانی تاکید کرد: ما در این عالم با محسوسات سروکار داریم، می بینیم، می شنویم و می چشیم اینها محسوس هستند، هر آنچه که در محسوس هست در عالم خیال هم است. عالم خیال، عالم تصاویر است. هر چه قدرت تخیل شما و صورت سازی ذهنی شما نیرومندتر باشد، قدرت شاعری شما بیشتر است. شاعر بزرگ کسی است که قدرت تخیلش فوق العاده است. اگر کسی قدرت تخیل ندارد، شاعر نیست، ناظم است.

عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران ادامه داد: عالم خیال بی نهایت گسترده است، پس هر آنچه در عالم حفظ است می تواند در عالم خیال هم باشد و هر آنچه که در عالم خیال است، در عالم عقل هم می تواند باشد. در نتیجه هر آنچه در عالم محسوس است، در عالم خیال هم هست و هر آنچه در عالم خیال است در عالم عقل هم هست و هر آنچه که در عالم عقل هست در عالم مافوق عقل هم هست و هر آنچه در عوالم حق تبارک تعالی هست در علم حق هم هست. پس هر بالایی به پایین احاطه دارد. یعنی حفظ بر عالم خیال احاطه ندارد ولی عالم خیال به عالم حفظ احاطه دارد. عالم خیال به عقل احاطه ندارد ولی عالم عقل به عالم خیال احاطه دارد و همین طور رو به بالا تا حق تبارک تعالی.

وی با اشاره به یکی از آیات قرآن گفت: کتاب مبین کجاست؟ کتاب مبین نفس کامل انسان کامل است. در حضرت ختمی مرتبت همه اینها هست. در نفس کامل همه آنچه خداوند می شمارد ثبت شده است. ببینید انسان چقدر عظیم است. مظهر علم حق، انسان کامل است. این کتاب مبین است. پس چیزی در این عالم اتفاق نمی افتد، مگر اینکه در بالا هست.

دینانی خاطر نشان کرد: ما امروزه با کمال تاسف انسان را افسار کرده ایم. اخیرا اتوبوس هوشمندی ساخته اند که بدون راننده انسان را به مقصد می رساند. اگر همه اتومبیل ها و کارخانه ها اینگونه شوند انسان چه کاره می شود؟ یک ابزار می شود. حالا انسان ابزار است یا ابزار ساز است؟ انسان کارش ابزارسازی است اما وای به روزی که خودش ابزار شود.

وی در خاتمه اظهار کرد: انسان دارای حالات و ملکات است، حال، گذرا است، می شود که برود، ملکه ثابت و راسخ است، اگر راسخ شد دیگر نمی گذارد. بعضی عادت ها در ما رسوخ پیدا می کند، مثلا اعتیاد در انسان معتاد رسوخ پیدا کرده است اما بعضی چیزها هستند که از اعتیاد بدتر اند. آدمی که به دروغ گفتن عادت کرده است دروغگویی در او راسخ است و دیگر نمی تواند دروغ نگوید ولی یک آدمی که تمرین راستگویی کرده است و عمری را راست گفته است دیگر نمی تواند دروغ بگوید. این ملکه راسخ است، ملکه با حال فرقی این است. ما حالات داریم و ملکات. هر آدمی دارای ملکات و حالات است. حالات زودگذر است می آید و می رود ملکه اگر شد راسخ است و دیگر از بین نمی رود و آن چیزی که با انسان باقی می ماند ملکات راسخه است و خدا نکند که صفات بد در ما راسخ شود.